خارج اصول

جلسه58 \* چهارشنبه 11/ 10/ 98

موضوع: مقدّمه ی واجب

کلام در فرمایش محقّق خوئی بود. بحث به اشکال سوّم از آخوند رسید.

محقّق خوئی فرمود: قائل شدن به مقدّمه ی موصله مستلزم آن نیست که واجب نفسی را قید واجب غیری بدانیم و بگوییم مقدّمه در صورتی واجب می شود که ذی المقدّمه بعد از آن بیاید؛ بلکه عنوان موصلیّت اشاره دارد به اینکه هر مقدّمه ای واجب نیست؛ بلکه حصّه ی خاصّی از مقدّمه واجب است و آن مقدّمه ای است که در سلسله ی علل ذی المقدّمه قرار بگیرد یعنی مقدّمه ای واجب است که علّت برای ذی المقدّمه باشد؛ ولی این معنایش این نیست که وجود ذی المقدّمه علّت و قید وجوب مقدّمه باشد.

اشکال

[استاد:] وقتی می گویید مقدّمه ای واجب است که ذی المقدّمه بعد از آن بیاید این یعنی اینکه ذی المقدّمه قید مقدّمه است و قید نبودن ادعاست. البتّه ایشان در جایی دیگر می فرماید: وجوب مقدّمه عقلی است و اصلا ًوجوب شرعی ندارد. این قابل قبول است.

اما محقّق نائینی به این استلزام قائل است و می فرماید: مستلزم قیدیّت است لذا دور و تسلسل پیش می آید.

سپس محقّق خوئی می فرماید از نظر وجدان نیز همین مقدّمه واجب است زیرا اگر ذی المقدّمه بعد از مقدّمه بیاید ما پی می بریم به شوق مولا به این مقدّمه و اینکه مطلوب اوست؛

[استاد:] این مغالطه است؛ هنگام اتیان مقدّمه، آیا این قرار هست مقدّمه باشد یا نه؟ الان مولا به این مقدّمه شوق دارد یا نه؟

ملاک باید استعداد مقدّمیّت در مقدّمه باشد که بر این اساس می تواند واجب باشد.(پایان)